



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۰۵/۰۳

نویسنده پوهاند بشیر احمد زکریا
ترجمه: رحمت آریا

جنگ های بی پایان راه حلی برای طولانی ترین جنگ امریکا میکانیزم جدید برای صلح دوامدار جهانی نقش کرونا - ۱۹ قسمت پنجم

پوهاند متقاعد و لکچرر خاص
پوهنتون کولمبیا، پوهنځی دکتوران طب و جراحان
نیویورک

فصل دوم

نیرو های ائتلاف بین المللی در افغانستان با چه روبرو اند

تاریخ مختصر جنگهای امریکا

امریکا در خارج از مرزهای خود با چلنج های دشوار جنگهای بزرگ روبرو شده است اما هر بار با صبر و استقامت یا با ایده های جدید، و یا طرز برخورد های جدید برای غلبه بر چلنج غالب آمده است.

اول: جنگ استقلال امریکا ۱۷۷۵ - ۱۷۸۳ (۸/۴ سال) برخی ها آنرا جنگ انقلابی امریکا می نامند. باید بخاطر بسپاریم که تامس جفرسن که مؤلف «اعلامیه استقلال امریکا» و یکی از بنیادگذاران کلیدی جمهوریت امریکا است گفته است: «هرگاه جنگی بنام جنگ استقلال می بود پس جنگ ما باید علیه برتانوی ها می بود.» این جنگ آزادی ابواب استقلال، حق شهروندی، جدایی سیاست از کلیسا، مساوات در برابر قانون، و پنج عنصر ضروری آزادی یعنی آزادی عقیده، آزادی بیان، آزادی مطبوعات آزادی تجمعات، و آزادی حق درخواست از حکومت را گشود. این جنگ برحق بعد از همدست شدن سیزده کالونی امریکا بدان منظور ظفرمندانه پیروز شد تا «زیر سایه خدا ملت واحد شود». این جنگ پیک و منادی انقلاب فرانسه، متعاقباً کنفرانس ویانا در سال ۱۸۱۵م سرمشقی برای کنفرانس صلح اورپا شد و برای نخستین بار در تاریخ بود که موضوعات ضد بردگی و یهود ستیزی مورد بحث و مذاقه قرار گرفت.

دوم: جنگ داخلی امریکا: ۱۸۶۱ - ۱۸۶۵م (چهار سال). این جنگ بعد از جنجال های طولانی توسط ایالات خاص در مورد بردگی سیاه پوستان که اقتصاد شان وابسته به کار رایگان امریکاییان افریقایی نژاد بود آغاز شد. تحت زعامت خردمندانه رئیس جمهور لینکن و شکیبایی و استقامت او بود که برده داری ملغی قرار داده شد و آرمانهای قانون اساسی امریکا دوباره احیاء شد. بدین طریق ایالات متحده امریکا مبدل به یک «ملت واحد تحت سایه خداوند» گردید و بسوی اتحاد کامل تر به پیش رفت. این یکی از خونین ترین و پرتلفات ترین جنگهای امریکا بود که جان ۶۲۰۰۰۰ تا ۷۵۰۰۰۰ انسان را در یک جنگ جانگذار خانواده علیه خانواده، برادر علیه برادر گرفت که همه بخاطر آزادی و مساوات کشته شدند.

سوم: جنگ جهانی اول: ۱۹۱۷ - ۱۹۱۸م (یکسال و هفت ماه). رئیس جمهور وودرو ویلسن به تاریخ ششم اپریل سال ۱۹۱۷م، دو سال و اندی پس از آغاز جنگ اول جهانی که در طی این مدت ایالات متحده امریکا به عنوان یک

د پانو شمیره: له ۱ تره

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني دلیکنيزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

کشور بی طرف عمل می کرد ، علیه جرمنی اعلام جنگ کرد. وودرو ویلسن در مورد تخطی جرمنی از ساختن تحت البحری های ویرانگر که امریکا به مقاصد تجارت از جرمنی خواسته بود مجبور به اعلان جنگ علیه آن کشور شد. تحرک اردو ، اقتصاد و نیروی کار به آرامی به پیش رفت تا اینکه در بهار سال ۱۹۱۷م هنگامی که تحت رهبری رئیس جمهور ویلسن ، علی الرغم مخالفت عمومی، جنگ مسیر و جهت عصری مترقی خواهانه بخود گرفت و برای اولین بار خواستار آن شد تا اصلاحات و دیموکراسی را به جهان به ارمغان آورد. پس از انتخاب وی برای دوره دوم ریاست جمهوری امریکا ، معاهده چهارده ماده ای (ورسالی^۱) او به جنگ اول جهانی پایان داد. تا پایان جنگ اول جهانی چهار میلیون سرباز به تحرک در آورده شد که در نتیجه ۱۲۰۰۰۰۰ امریکایی کشته و ۲۳۴۰۰۰ تن شان زخمی شدند. جامعه ملل بوسیله ویلسن^۲ که بعد ها طلبه دار سازمان ملل متحد شد، ایجاد شد ولی خروج ایالات متحده امریکا از جامعه ملل منجر به ناکامی مطلق آن گردید.

چهارم: جنگ دوم جهانی: ۱۹۴۱ - ۱۹۴۵ (سه سال و هفت ماه) جبهه شرقی :

بخش شرق دور با بمباردمان مخفیانه پیرل هاربر توسط بمب افکن های امپراتوری جاپان به تاریخ ۷ دسامبر سال ۱۹۴۱م آغاز شد و ایالات متحده به تاریخ ۸ دسامبر سال ۱۹۴۱م علیه امپراتوری جاپان اعلان جنگ داد. جنگ دوم جهانی با تسلیمی مطلق امپراتوری جاپان متعاقب بمباردمان هیروشیما پایان یافت، در این بمباردمان جاپان از ۹۰۰۰۰۰ تا ۱۴۶۰۰۰۰ جاپانی در هیروشیما و در ناگاساکی از ۳۹۰۰۰ تا ۸۰۰۰۰۰ زمانی کشته شدند که به تاریخ ۶ اگست هیروشیما و به تاریخ ۹ اگست سال ۱۹۴۱م ناگاساکی در بمباردمان اتمی ایالات متحده امریکا به ویرانه مبدل شدند. اشغال جاپان بعد از امضای معاهده صلح سان فرانسسکو به پایان رسید که از تاریخ ۲۸ اپریل سال ۱۹۵۲م مرعی الاجراء شد. ملت قطعاً تسخیر ناشده جاپان با داشتن تاریخ نیرومند و خیلی محافظه کارانه و با فرهنگ سیاسی پرستش امپراتوران خود، تحت رهبری هوشمندانۀ سیاستمدار متجرب و کارآزموده نظامی جنرال دگلنس مک آرتر دوباره صاحبان سلطنت قانونمند و دیموکراتیک شدند. اراضی مفتوحه جاپان در شرق دور و چین به مالکان آن باز گردانده شد. حضور نظامی امریکا پیشرفت هیولای صنعتی - اقتصادی دیموکراتیک را ممکن ساخت، این در واقع یک گذار سنت گرایان شهنشاهی مطلق العنان به یکی از دیموکراسی های بی نهایت پیشرفته بعد از جنگ دوم جهانی بود. این نوع دگرگونی یک ملت باورمند به سنن باستان هیچگاهی در تاریخ بشریت به وقوع نه پیوسته است. این به بهای جان ۱۰۰۰۰۰۰ سرباز کشته امریکایی، ۶۰۰۰۰ امریکایی ملکی و به بهای جان یک میلیون و سیصد هزار سرباز کشته جاپانی و ۷۰۰۰۰۰۰ جاپانی ملکی (متجاوز از ۱۴۰۰۰۰۰ هزار تنها از بمبارد اتمی)، ۲۷۰۰۰۰ سرباز فیلیپینی، ۴۵۰۰۰۰ آسترالیایی، ۲۶۰۰۰ سرباز آلمانی و ۱۷۰۰۰۰ افراد ملکی آلمانی که اسیران جنگی در کمپ های کار اجباری بود، به دست آمد. تلفات مادی هم بی نهایت زیاد بود، از زمره ۶۶ شهرهای بزرگ جاپان ۴۰ فیصد آن ویران شدند، ۳۰ فیصد مردمان شهر ها خانه های شانرا از دست دادند؛ در بین سائر شهر های جاپان هیروشیما و ناگاساکی با بمبارد اتمی تخریب و انهدام و ویرانی پُر دوام را متحمل شدند، امراض ناشی از اشعه رادیو اکتیف، سرطان ها و معیوبیت مطلق مثال های آن اند ولی همه این شهر ها بصورت مطلق دوباره اعمار شدند. جاپان ۸۰ فیصد تجارت اوقیانوسی خود را از دست داد.

محاذ غربی : هیتلر به تاریخ ۱۱ دسامبر سال ۱۹۴۱م زمانی علیه ایالات متحده امریکا اعلان جنگ نمود که لشکر های جرمنی در مسیر راه بسوی ماسکو در حومه لیننگراد از فرط یخبندان در حال منجمد شدن بودند. در آغاز، نیرو های امریکایی با چنان مسامحه کاری و نادیده انگاری رویرو بودند که از بیست سال گذشته تا این دم در جریان بود، با پافشاری و اصرار ستر درستیز در سال ۱۹۴۲م سعی و تلاش فوق العاده زیادی بکار انداخته شد تا نیرو های امریکایی با جنگ افزار های قدرتمند عصر مجهز گردند و رئیس جمهور روزولت آنرا مدبرانه به منصه اجراء گذاشت. آنها پیشبینی نموده بودند که فتح جنگ ممکن به ۹ میلیون نیروی انسانی نیاز داشته باشد تا قوت های متحده را یاری رساند و این پیشبینی دقیقاً درست از آب بدرآمد. نیروی صنعتی امریکا ناگزیر بود تا از یکطرف قوت های متحده را یاری رساند و از جانبی نیروی عظیم نظامی خود را توسعه بخشد. در سال ۱۹۴۲م چرچیل و روزولت بر اولویت صحنه جنگ در اروپا تأکید مجدد کردند. نیرو های امریکایی جنگ را اول از شمال افریقا آغاز کردند و بعد سیسیلی و بعد ایتالیا. اولویت عمده آن بود تا ایالات متحده امریکا تدارکات لازم را به نیرو های متحده عمدتاً برتانیه و اتحاد شوروی تا زمانی برساند که ایالات متحده امریکا خود نیروی تهاجمی خود را آماده ساخته بتواند. حمله اساسی نیرو های امریکا بالای نیرو های هیتلر در فرانسه تحت قوماندۀ جنرال دیویت آیزنهاور به تاریخ

^۱ - Versailles Treaty

^۲ - Wilson's League of Nations

۶ جون سال ۱۹۴۴م منحيث (روز مهم - نظامی^۳) (۴) آغاز شد. شوروی ها در محاذ شرقی بطرف برلین براه افتیدند و قوت های متحده بدون توقف بطرف غرب در پیشروی شدند، جرمنی سرکوب شد و برلین در ماه می سال ۱۹۴۵م به دست شوروی افتاد. با خود کثی هیتلر بود که جرمنی تسلیم شد. بهای این جنگ برای امریکا آن شد تا ۴۰۵۳۹۹ تن از سربازانش در جنگ کشته شوند، ۶۷۱۲۸۷ تن از سربازانش مجروح شود و بهای اقتصادی آن به ۲۸۸ بلیون دالر (که به قیمت امروز پنج تریلیون دالر میشود) تمام شد.

این جنگ بصورت واضح یک جنگ مؤجه بود زیرا پشتیبانی تمام جامعه مدنی را در امریکا چنان بدنبال داشت که جامعه مدنی هر قربانی را با صبر و حوصله مندی تحمل کرد و تولید اسلحه، مورال ۱۶ میلیون سرباز نوبتی را در داخل کشور بلند برد.

این جنگ بر ضد نقض وقیحانه قانون بین الملل بود که محافظ استقلال ملت هاست (هالند و بی طرفی دائمی بلجیم). این جنگ علیه استبداد و ظلم فاشیست ها در جرمنی و ایتالیا بود. این جنگ برای آزادی، وقار انسان و علیه مدعیات برتری های نژادی نازیزم بود. این بزرگترین جنگ در تاریخ بشریت بود که در آن جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت با از بین بردن شش میلیون یهودی و دو میلیون غیر یهودی بوقوع پیوست آنها در کمپ های کار اجباری چنان کشته شدند که مثال آن هرگز قبل از این دیده نه شده بود. گناه کاران و جنایت کاران محاکمه شدند و بصورت شفاف در محضر تمام جهان به سزای اعمال شان رسیدند. این چنان جنگی بود که برای اولین بار طبق قانون بین الملل پاسخگویی در برابر جنایات جنگی بوسیله قاضیان ملکی بنیاد نهاده شد. این چنان جنگی بود که هیچ یکی از کنفرانس های صلح و یا پیمان های صلح هرگز قادر به ختم آن نبود. این جنگی بود که خون میلیون ها در آن ریخته شد و آنها بخاطر آزادی، وقار انسانی و ارزش حیات انسانی صرف نظر از نژاد و دین شان قربانی شدند.

پنجم: جنگ کوریا: ۱۹۵۰ - ۱۹۵۳ (سه سال). پایان یابی جنگ دوم جهانی که تسلیمی جاپان را به دنبال داشت و به اشغال کوریا که از سال ۱۹۱۰م تحت اشغال بود خاتمه بخشید، منجر به انقسام کوریا به دو حصه شد، کوریای شمالی تحت قیمومیت اتحاد شوروی سوسیالیستی قرار گرفت و کوریای جنوبی تحت قیمومیت ایالات متحده امریکا در آمد. جنگ زمانی آغاز شد که کوریای شمالی بالای عرض جغرافیایی سی و هشتم کوریای جنوبی حمله کرد و یک قسمت اعظم شبه جزیره را تا به «بُسان» اشغال کرد. سازمان ملل متحد لشکر خود را در منطقه «انچيون» پیاده کرد و بسوی شمال فراتر از عرض جغرافیایی سی و هشتم تا به جوار سرحد چین، جنوب دریای «پالو» عبور کرد. چین که احساس تهدید کرده بود از سازمان ملل متحد تقاضا نمود تا به سرحد قبلی برگردد. نیرو های سازمان ملل متحد که تحت قیادت جنرال دگلنس مک آرتر قرار داشت این اخطار را نادیده گرفت. چین لشکر «آزادبخش توده یی» را که متجاوز از یک میلیون عسکر بود بدانجا فرستاد و نیرو های ائتلاف بین المللی را وادار به عقب نشینی به عرض جغرافیایی سی و هشتم کرد. فقط به تاریخ ۲۷ جولای سال ۱۹۵۳م بود که متارکه امضاء و هر دو کشور به سرحدات اسبق شان عقب کشیدند.

لشکر سازمان ملل متحد به ترتیب آتی با ذکر تلفات آن متشکل بود: کوریای جنوبی (۶۰۳۰۰۰ نیرو با تلفات جانی ۵۰۰۰۰)، ایالات متحده امریکا (۳۲۷۰۰۰ با تلفات جانی ۳۶۵۰۳)، برتانیه (۱۴۲۰۰ با تلفات جانی)، کانادا (۸۱۰۰ با تلفات جانی ۵۰۷)، تورکیه (۵۵۰۰ با تلفات جانی ۷۲۱)، استرالیا (۲۳۰۰ با تلفات جانی ۳۸۰)، فیلیپین (۱۶۰۰)، نیوزیلند (۱۴۰۰ با تلفات جانی ۳۴)، آلمان (۳۴۱۸ با تلفات جانی ۱۵۰)، ایتوپیا (۱۳۰۰ با تلفات جانی ...)، یونان (۱۲۵۰ با تلفات جانی...)، کولمبیا (۱۳۰۰ با تلفات جانی ...)، تایلند (۱۲۰۰ با تلفات جانی ...)، بلجیم (۸۹۱ با تلفات جانی ...)، افریقای جنوبی (۸۳۷ با تلفات جانی ...)، فرانسه (۸۰۰ با تلفات جانی ۶۹)، و لوگز امبورگ (۴۴ با تلفات جانی ۲).

لشکر های کمونیست ها متشکل بودند از: کوریای شمالی (۲۵۰۵۰۰ با ۳۱۹۰۰۰ تلفات؟)، چین (۱۳۵۸۴۵۶ با تلفات جانی تقریباً ۳۰۰۰۰۰) و اتحاد شوروی (۲۶۰۰۰ با تلفات جانی ۳۰۰ تن).

نتایج مثبت عبارت بودند از: توسعه جویی کمونیزم متوقف ساخته شد و یونان و تورکیه شامل پیمان ناتو شدند؛ این بزرگترین و اولین مأموریت مؤفقانه سازمان ملل متحد بود. کوریای شمالی کمونیست عهدنامه امضاء کرد و کوریای

^۳ - Operation Overlord - D-Day

^۴ - Operation Overlord: طی جنگ دوم جهانی در جنگ نورماندی که به تاریخ ۶ جون سال ۱۹۴۴م آغاز شد این نام یکی از شفر ها در بین قوت های متحده در اروپای شرقی بود. تا اخیر اگست همین سال متجاوز از دو میلیون سرباز قوت متحده در فرانسه سرازیر شدند و جنرال آیزنهاور ستر درستیز تمام قوت های متحده شد - مترجم

جنوبی پابند به دیموکراسی ماند. این اولین گرد هم آبی ملت ها تحت بیرق سازمان ملل متحد بود که در جنگ دفاع از قانون با هم جمع شده بودند.

نتایج منفی عبارت بودند از : اقدام تهاجمی دیگران را عصبانی می سازد. سازمان ملل متحد پیروز شد مگر نه از طریق صلح که اولین هدف و مأموریتش است. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بوسیله شورای امنیت سازمان ملل متحد تنبیه و سرزنش شد؛ روابط با چین با از دست دادن مقدار زیاد پول بدتر شد و مهمتر از همه نیرو های ائتلاف بین المللی ۵۰۰۶۵۰ تن سربازانش را و کمونیست ها ۶۱۹۰۰۰ سرباز را از دست داد^۵.

ششم: ویتنام (جنگ دوم هند و - چین) ۱۹۶۵ - ۱۹۷۳ م (۸ سال). اولین جنگ هندو- چین که حمایت فرانسه را در پی داشت در سال های ۱۹۶۶ - ۱۹۵۴ م میان ویتنام شمالی و جنوبی بوقوع پیوست. لشکر ویتنام شمالی حمایت اتحاد شوروی، چین، پخت لاو (شورشیان کمونیست)، خمر روج (شورشیان کمونیست کمبودیایی) را در عقب داشت. ویتنام جنوبی حمایت (سازمان سیتو) [پیمان جنوب شرق آسیا] را در عقب داشت یعنی : ایالات متحده امریکا، کوریای جنوبی، استرالیا، فیلیپین، نیوزلند، تالند، جمهوریت خمر، سلطنت جمهوری لاؤوس و جمهوریت توده بی چین (تابوان). در این جنگ مجموعاً بیست و یک کشور دخیل بودند. جنگ نخست توسط چریک های مخفی ضد ویتکانگ در سال ۱۹۶۴ م بوسیله رئیس جمهور لیندن جانسن تحت نام عملیات (OPLAN ۳۴A) آغاز شد. به تاریخ ۴ اگست سال ۱۹۶۵ م ادعا شد که در خلیج تونکین بالای دو کشتی کوچک جنگی ایالات متحده امریکا حینیکه بحر متلاطم بود حمله شد، این حمله به کانگرس امریکا گزارش داده شد و کانگرس ایالات متحده به تاریخ هفتم اگست به اتفاق آراء قطعنامه خلیج تونکین را منظور تا از آزادی حمایت و صلح را در جنوب شرق آسیا حفظ کند.

نتیجه منفی این جنگ بلند ترین رقم تلفات انسانی را بدنبال داشت : دو میلیون انسان ملکی از هر دو طرف جان باختند، یک اعشاریه یک میلیون انسان از ویتنام شمالی و جنگجویان ویتکانگی کشته شدند. نیروی مسلح ایالات متحده امریکا نام ۵۷۹۳۹ تن از سربازان کشته شده خود را در واشنگتن دی سی روی بنای یادگاری سربازان جنگ ویتنام نقر نمود. کوریای جنوبی ۴۰۰۰ تن سربازانش را از دست داد، تایلند ۳۵۰ تن، استرالیا بالا تر از ۵۰۰ و نیوزلند قریب به ۳۶ تن از سربازانش را از دست داد.

عواقب جنگ: ویتنام منحنی یک نیروی نظامی مقتدر در جنوب آسیا پدیدار شد. ولی از پارچه پارچه شدن زراعت و صناعت اش صدمه دید، محلات کشور با آسیب بمب ها داغان شدند، غنایش برگ ریزان شد، ماین های زمینی و خسارات سنگین به شهرک ها و شهر های آن وارد شد. در سال ۱۹۷۵ م و ۱۹۷۸ م مهاجرین ویتنامی کشور شان را به علت پالیسی بازسازی نهاد اقتصادی که بوسیله رژیم کمونیست تحمیل شده بود ترک کردند. اردوی نظامی امریکا تضعیف شد و امریکایان ملکی به شدت مُنقَطِب، اصطلاح (سندروم ویتنام) را ایجاد نمودند ولی مناسبات دیپلوماتیک خود را رسماً در سال ۱۹۹۵ م از سر آغاز کرد^۶.

هفتم: جنگ عراق ۲۰۰۳ - ۲۰۱۱ (۸ سال):

حمله عراق بالای کویت، ایالات متحده امریکا را بدنبال خود کشانید و سبب شد تا نیرو های ائتلاف، نیرو های صدام حسین را در (۱۹۹۰ - ۱۹۹۱ م) شکست دهد. سرکوبی و خفه سازی مداوم اقلیت کرد و اکثریت شیعه بوسیله صدام، مؤتلفین را وادار ساخت تا "منطقه امن" را در شمال عراق ایجاد و طیارات جنگی مؤتلفین ناگزیر به گزیده هوایی "زون ممنوعه پرواز" شدند. مزید بر آن سازمان ملل متحد وادار شد تا بخاطر مهار ساختن تجاوزات عراق تحریم ها و تعزیرات اقتصادی را بالای عراق وضع نماید تا تولید اسلحه اتمی و بایولوژیکی / کیمیای (اسلحه کشتار جمعی) را متوقف سازد.

علی الرغم بمباردمان تأسیسات نظامی عراق تحت نام (عملیات روبای صحرا^۷)، عراق بار دیگر از ورود مفتشین سازمان ملل متحد خود داری کرد. رئیس جمهور بوش بعد از فاجعه یازدهم سپتمبر سال ۲۰۰۱ م اعلان نمود که آسیب پذیری امریکا و داشتن اسلحه کشتار جمعی «اتهامی که بعد ها غلط ثابت شد» به اضافه حمایت عراق از گروه تروریست ها بشمول القاعده به مثابه مرتکبین حادثه یازدهم سپتمبر وی را وادار ساخت تا خلع سلاح عراق را در اولویت کاریش قرار دهد. قطعنامه شماره ۱۴۴۱ بوسیله شورای امنیت سازمان ملل متحد به تاریخ هشتم نوامبر سال ۲۰۰۲ تصویب شد و در آن تقاضا شد تا به مفتشین سازمان ملل متحد بار دیگر اجازه دخول داده شود. ظاهراً چنین به نظر می رسد که عراق به این قطعنامه گردن می نهاد، ولی رئیس جمهور بوش و صدر اعظم تونی

^۵ - www.thefreedictionary.com/Korean+War+Casualties

^۶ - Encyclopedia Britannica

^۷ - Operation Desert Fox

بلیر اعلان نمودند که عراق باز هم سد راه مفتشین شده و تا هنوز هم سلاح کشتار جمعی در اختیار دارد. رئیس جمهور فرانسه ژان شیراک و چانسلر جرمن شرودر به این باور بودند که همکاری مزید عراق نیازمند توجیه وقت اضافی برای عراق است تا پیروی کند. مگر رئیس جمهور بوش به صدام حسین ۴۸ ساعت وقت داد تا عراق را ترک نماید. رهبران فرانسه، جرمنی، روسیه و سائر کشورها بر علیه این اولتیماتوم بوش اعتراض کردند زیرا حالت به سمت وقوع حتمی شدن جنگ میرفت. صدام امتناع کرد، ایالات متحده آمریکا و نیروهای مؤتلفه شان بمب های با دقت رهنمایی شده را بالای آن مجموعه ساختمان های ریختند که پناه گاه های زیر زمینی داشتند، امریکایی ها به این باور بودند که گویا صدام در آنجا با مقامات بلند رتبه خود مجلس دارد. سیاست نظامی ترسناک زمین سوخته بوقوع نه پیوست زیرا عساکر عراقی نه خواستند در برابر نیروهای ائتلاف که در حالت پیشروی بودند مقاومت نمایند. رئیس جمهور بوش به تاریخ اول ماه می سال ۲۰۰۳ اعلان پایان جنگ عمده را در عراق نمود. نیروهای عراقی زمانی فرار کردند و پنهان شدند که صدام حسین به تاریخ ۱۳ دسمبر سال ۲۰۰۳ گرفتار شد و به تاریخ ۳۰ دسمبر سال ۲۰۰۶ به دار آویخته شد.

تلفات انسانی جنگ: پنج میلیون یتیم، ۱۰۰۰۰۰ عراقی جان باخت، از چهار تا پنج میلیون مهاجر و اکثریت زیربنا ها و اقتصاد عراق را یکسره ویران ساخت.^۸

مجموع مصرف جنگ ایالات متحده آمریکا: متجاوز از یک اعشاریه یک تریلیون دالر (۱۰۹ هلیکوپتر، ۱۸ فروند طیارات ثابت الجناحین. مصرف انگلستان تا به ماه مارچ سال ۲۰۰۶م شش اعشاریه هشت بیلیون دالر و از نیروهای احتیاطی خاص ۹ اعشاریه ۴۹ بیلیون دالر^۹.

ادامه دارد

هشتم: چگونه جنگ در افغانستان آغاز شد ۲۰۰۱ - ۲۰۲۰ (۱۹ سال).

^۸ - Brooking Institute

^۹ - Wikipedia, Brown University study estimated ۱۹۰,۰۰۰ lives lost and material cost of \$۲,۲ trillion